



بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که این افتخار را دارید که در کسوت تعلیم و تربیت در جامعه‌ی اسلامی مشغول فعالیتید، یا ان شاء الله در آینده مشغول فعالیت خواهید شد؛ که واقعاً هم افتخار بزرگی است.

یاد شهید بزرگوار عزیزمان، مرحوم شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه) و همچنین شهدای آموزش و پرورش را - معلمین، دانش‌آموزان - که یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین مناظر دفاع مقدس است، گرامی میداریم و امیدواریم ان شاء الله دست خدای متعال و حمایت الهی همیشه بر سر شما معلمین عزیز و مسئولان آموزش و پرورش باشد و روزه‌روز این درخت پربار و پربرکت، مبارکتر برای کشور ما و ملت ما به حساب بیاید.

اولاً این جلسه برای تکریم و احترام به معلمین است. آنچه در باب تعلیم و تربیت، در باب آموزش و پرورش - چه ستاد آموزش، چه صفوف منظم آموزش در سراسر کشور - لازم است عرض شود، غالباً به مسئولین و کسانی که دست‌اندرکار اجرا هستند، عرض میشود؛ آنچه امروز در درجه‌ی اول برای ما اهمیت دارد، این است که نشان دهیم احترام قلبی‌ای را که شایسته‌ی مقام تعلیم و تربیت است. اصل این است که «معلمی» منزلت لازم را در جامعه‌ی اسلامی داشته باشد. خیلی کوتاه‌بینی است که انسان شغل معلمی و آموزگاری را ردیف سایر مشاغل متعارف زندگی قرار دهد، که یک وسیله‌ای است فقط برای تعیش، که انسان بتواند عائشه کند؛ نانی در بیاورد و زندگی‌ای بگذراند؛ این حقیقت ندارد، اینجوری نیست، معلمی در ردیف سایر مشاغل نیست؛ بسیار بالاتر است.

اگر به حقیقت تعلیم و تربیت و جایگاه معلم توجه شود، حقیقتاً اینجوری باید تشبیه کنیم: کسی که پرداخت کننده و تراش دهنده‌ی به یک گوهر گرانبها است، که به آن ارزش میبخشد. این گوهر گرانبها همین بچه‌های مایند، همین کودکان مایند، کودکان ملتند، که نسلهای آینده را با همه‌ی مشخصات و ممیزاتشان تشکیل میدهند و به وجود می‌آورند. شما معلمها هستید که دارید این شخصیتها را شکل میدهید، پرداخت میکنید. صرفاً این نیست که در کلاس درس، دو کلمه شما بگوئید و او یاد بگیرد؛ همه‌ی رفتار شما، حرکات شما، منش شما، اخلاق شما، به صورت مستقیم در این مخاطب گیرا اثر میگذارد و او را شکل میدهد. آنچه هم که به عنوان تعلیم در ذهن او کار میگذارد، از ماندگارترین حقایقی است که در ذهن انسان باقی میماند. بعد از پنجاه سال، شصت سال، خیلی از جزئیاتی که معلم به دانش‌آموز گفته است، در ذهن انسان هست؛ خیلی از خصوصیات که او با رفتار خود، با اخلاق خود، با نحوه‌ی حرف زدن خود، با نحوه‌ی تعامل خود به دانش‌آموز منتقل کرده است، در انسان باقی میماند. گاهی انسان متوجه است، گاهی هم متوجه نیست؛ همه‌ی ما ندانسته در همان راهی داریم حرکت میکنیم که بخش معظمی از آن را معلمین در نهاد ما قرار داده‌اند؛ این خیلی چیز مهمی است.

یک کشور اگر بخواهد به سرافرازی برسد، به رفاه و غنا برسد، به علم و تفوق علمی منتهی شود، اگر بخواهد مردم شجاع، آزاده، فهمیده، عاقل، خردمند و متفکر تحویل جامعه‌ی بشری دهد، باید این زیرساخت اصلی را درست کند؛ زیرساخت تعلیم دوران کودکی و نوجوانی. این، شأن معلم است. لذا به معلم خیلی باید احترام کرد. برای ایجاد آمادگی لازم در معلم، خیلی باید صرف وقت کرد. برای تهیه‌ی سازوکاری که تعلیم و تربیت در آن مؤثر باشد و جهت درست داشته باشد، خیلی باید سرمایه‌گذاری کرد. اینکه ما بر روی این تحول بنیادین در آموزش و پرورش در



سالهای گذشته تکیه کردیم - که خب، بحمدالله امروز سند این تحول در اختیار آموزش و پرورش است و در واقع نقشه‌ی راه، مشخص و معین شده است - برای خاطر این است. تحول در انسانها، تغییر صحیح در دلها و باورها و حرکات و خلیات و امثال اینها، احتیاج دارد به یک زیرساخت محکم؛ این زیرساخت، آموزش و پرورش است.

آموزش و پرورش ما آن روزی که در کشور به شکل جدید درآمد، بر اساس یک مبنای فکری و اعتقادی دیگر به وجود آمد؛ ما هم در طول ده‌ها سال - از اوّلی که آموزش و پرورش جدید در کشور آمد - بر همان مبنا حرکت کردیم، در واقع در همان ریل پیش رفتیم؛ که خب، ریل درستی نبود. این سند تحول باید ما را به سمت هدفهای اسلامی حرکت دهد؛ باید جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش ببرد؛ باید بتواند در ما خصلتهای والای انسانی را به وجود بیاورد. ما امروز در خودمان، در خلیات خودمان، در رفتار خودمان، نقائصی مشاهده میکنیم؛ این نقائص باید برطرف شود. استعداد بشری در جامعه‌ی ایرانی، یک استعداد انبوه و سرشار است؛ این استعداد باید امکان بروز پیدا کند، جهت صحیح پیدا کند. این سند تحول ناظر به یک چنین چیزی است.

اشاره کردند به زیرساختهای سند تحول. من همین‌جا عرض بکنم؛ سند تحول یک متنی است که باید عملیاتی شود، منتها به هیچ وجه نباید در آن شتابزدگی باشد؛ با تدبیر، با تأمل، با ملاحظه‌ی صحیح جوانب باید پیش رفت. کار، کار عمیقی است. کارهای عمیق، کوتاه‌مدت نیست؛ زودبازده نیست؛ بلندمدت است؛ دیربازده است؛ اگر درست صورت بگیرد، ماندگار خواهد شد، مثمر خواهد شد؛ اگر سرهم‌بندی شد، شتابزده شد، آن وقت نتیجه‌ی لازم را نخواهد داد. فرمود: «و مجتنی الثمرة لغير وقت ایناعها كالزراع بغير ارضه»؛ اگر چنانچه میوه را قبل از اینکه برسد، چیدید، در واقع چیزی به دست نیآورده‌اید و زحمتتان هدر رفته است. بگذارید میوه برسد، بعد بچینید تا از همه‌ی منافع آن بهره ببرید.

شاید حلقه‌های تحقیقاتی متعددی لازم است که برای بخشهای این سند تحول، راهکارهای اجرائی و عملیاتی پیدا کند، تا حقیقتاً این ریل، صحیح گذاشته شود؛ آن وقت این قطار بر روی ریل حرکت کند. البته لازم است هم دولت، هم مجلس، برای پشتیبانی مالی آموزش و پرورش، برای پیشرفت در این کار، به طور جدی تأمل کنند، تدبیر کنند. آموزش و پرورش را نمیشود به حال خود رها کرد و پشتیبانی لازم از آن به عمل نیآورد، بعد هم توقع داشت که پیش برود.

خب، بحمدالله در این سالها کارهای خیلی خوبی شده است - بنده هم گزارشهایی دارم - آنچه شده است، خوب است؛ اما آنچه نشده است و باید بشود و اگر امروز دست‌به‌کار نشویم، قطعاً دیر خواهد شد، خیلی زیاد است؛ آن هم یک فهرست بلندبالائی است که مسئولین محترم آموزش و پرورش - چه در ستاد، چه در صف - ان شاءالله باید به این نکات توجه کنند.

این مسئله‌ی دانشگاه فرهنگیان هم خیلی مهم است؛ این هم از جمله‌ی چیزهایی است که باید به طور جدی به آرایش درونی آن توجه شود. معلم اگر شخصیت خودش ساخته نباشد، نمیتواند به متعلم خود، به مخاطب خود چیزی بدهد. اینجا شخصیت معلمین ساخته میشود. اگرچه این دانشگاه در ذیل آموزش و پرورش تعریف شده است و مربوط به آموزش و پرورش است، لیکن آموزش عالی باید همه‌ی پشتیبانی‌های ممکن را از این دانشگاه‌ها بکند. اینها کارهایی است که در زمینه‌ی آموزش و پرورش باید انجام بگیرد.

آموزش و پرورش یک دستگاه معمولی و عادی در عرض سایر دستگاه‌ها نیست؛ این یک مرکز اساسی و مهمی است؛ حالا میتوانید آن را به عنوان موتور یک قطار، میتوانید به عنوان مرکز ذخیره‌ی یک مجموعه تعبیر کنید؛ به هر حال



فرق میکند با دستگاه‌های اجرائی دیگر. کار عمقی و بنیانی در این وزارتخانه به قدری است که در سایر وزارتخانه‌ها نظیر آن را نمیشود پیدا کرد؛ حتی وزارتخانه‌های مشابه فرهنگی هم آن مقدار حساسیت و ظرافت و دقتی که در این مجموعه لازم است به کار گرفته شود، ندارند. به هر حال مجموعه‌ی بسیار مهمی است.

یک تشکر هم باید حتماً بکنیم از معلمین عزیزمان که این شغل را اختیار کرده‌اند و این زحمات را بر عهده گرفته‌اند. ای بسا کسانی بودند که میتوانستند سراغ کارهای دیگری بروند که هم درآمد بیشتری داشت، هم ممکن بود موقعیتهای سیاسی و اجتماعی بیشتری داشته باشد، اما خود را وقف این مجموعه کردند؛ این خیلی باارزش است. در طول این سالها هم معلمین همیشه پای منافع انقلاب ایستاده‌اند، که یک نمونه‌اش مسئله‌ی دفاع مقدس و جنگ تحمیلی است، که اشاره کردیم به شهدای معلم و دانش‌آموز در آموزش و پرورش؛ نمونه‌های دیگری هم در جاهای مختلف دارد. خیلی‌ها برنامه‌هایی داشتند برای معلمین، برای مدارس، به دنبال هدفهای سیاسی بودند؛ آن که ایستاد، معلم بود. اینها همه پیش خدای متعال حسنه است؛ اینها همه کارهای مؤثر و مهمی است که خیلی اوقات ممکن است به چشم کسی هم درست نیاید، اما از چشم کرام‌الکاتبین بیرون نیست.

مسئله‌ی کتابهای درسی هم بسیار مهم است. باید به طور مداوم و به تناسب نیازها، مضمون این کتابها، محتوای این کتابها ترقی و پیشرفت داشته باشد. دستگاه‌های هشیار مراقب در کل آموزش و پرورش باید وجود داشته باشد که هم پیشرفتهای مبتنی بر سند تحول را تعقیب کند، ببیند کجا لنگی هست، کجا اشکال وجود دارد، کجا تجربه‌ی ناموفق هست، بلافاصله اصلاح کند - چشم بینا لازم است - هم در زمینه‌ی مواد درسی و کتابهای درسی، نیازها را بسنجد. سالهاست که ما یک مسائلی را در کتابها می‌گنجانیم؛ بعضی‌ها خارج میکنند، بعضی‌ها داخل میکنند. ببینیم چه لازم است از معارف الهی، معارف اسلامی، معارف مدنی، معارف تمدن‌ساز، معارف انسان‌ساز؛ معارفی که یک ملت را سربلند میکند، پیشرو میکند، پیش‌تاز میکند؛ که اگر در کتابهای ما وجود ندارد، آنها را بگنجانیم؛ چه چیزهایی نقطه‌ی مقابل است، تخدیر کننده است، گمراه کننده است، آنها را حذف کنیم؛ چه چیزهایی به تناسب نسلی یا جنسیتها لازم است، آنها را بگنجانیم. فرض بفرمائید در کتابهای درسی دختران ممکن است چیزهایی لازم باشد در زمینه‌های خانه‌داری، تربیت فرزند و امثال اینها؛ و در کتابهای پسران ممکن است چیزهای دیگری لازم باشد در مواجهه‌ی با مسائل کار، زندگی و امثال اینها؛ اینها مراقبت لازم و دیده‌بانی دائم احتیاج دارد و باید این کارها انجام بگیرد. به هر حال کار، بسیار کار مهمی است.

امسال ما عرض کردیم: حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی. هر دو مقوله از مقولاتی است که آحاد ملت در آن میتوانند نقش ایفاء کنند؛ و تا آحاد ملت نقش ایفاء نکنند، حماسه به وجود نمی‌آید. البته بعضی‌ها ممکن است گرفتار باشند، بعضی‌ها تنبل باشند، بعضی‌ها شوق و شور لازم را نداشته باشند؛ وقتی قاطبه‌ی ملت، نوع مردم در سرتاسر کشور، با نگاه به آن چشم‌انداز روشن، انگیزه‌ی لازم را برای حرکت داشتند، حماسه به وجود می‌آید و ان شاء الله به فضل الهی، به توفیق الهی، این حماسه به وجود خواهد آمد. در این زمینه، آموزش و پرورش نقش‌آفرین است. ای بسا دانش‌آموزی که خود او هنوز در موقعیت قانونی برای رأی دادن نیست، اما میتواند خانواده‌ی خود را برای ورود در این میدان، برای انجام مسئولیت، تحت تأثیر قرار دهد. این تعداد کثیر معلمین در سرتاسر کشور، هم در این مسئله‌ی انتخابات - که مصرع برجسته‌ی حماسه‌ی سیاسی، همین انتخاباتی است که پیش رو است - هم در بخش حماسه‌ی اقتصادی که یک چیز بلندمدت است، میتوانند تأثیر بگذارند، میتوانند نقش‌آفرینی کنند.

کشور ما و ملت بزرگ ما با اهداف و آرمانهایی که دارد، به حماسه‌سازی در بخشهای مختلف نیاز دارد. ما باید با جهش پیش برویم برادران و خواهران عزیز! این ملت با همه‌ی استعدادی که دارد، در طول دوران طولانی اختناق - که بعد



هم این اختناق همراه شد با دخالت بیگانگان و سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بیگانگان - عقب ماند ؛ از جاده‌ی علم عقب ماندیم، از سازندگی عقب ماندیم، از اقتصاد عقب ماندیم، دچار آفتهای گوناگون فرهنگی و معرفتی شدیم. انقلاب این فرصت را در مقابل ملت ایران گذاشت که این عقب ماندگی را جبران کند ؛ و می بینید که در طول سه دهه‌ی گذشته‌ی انقلاب، ملت ایران چه مهارتی از خود نشان داد، چه پیشرفتی کرد، چه استعدادی در وجود خود ارائه کرد به همه‌ی بینندگان در سرتاسر عالم. پیشرفتهای ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست ؛ یک نمونه‌اش پیشرفتهای علمی است که مجامع جهانی چاره‌ای ندارند که به آنها اعتراف کنند ؛ که اعتراف هم کردند. سرعت پیشرفت علمی ما سیزده برابر متوسط جهانی است ؛ این شوخی است؟ در عین حال با این سرعت پیشرفت، ما هنوز از لحاظ علمی عقبیم. ببینید ما چقدر عقب بودیم! با اینکه بیش از ده برابر متوسط سرعت جهانی داریم حرکت میکنیم، هنوز عقبیم. پس این سرعت را باید حفظ کرد. این بخشی است که دشمن اعتراف میکنند ؛ یک بخشهایی هم هست که دشمن نباید اعتراف کند، اعتراف هم نمیکند ؛ در زمینه‌ی سیاسی همین جور است، در زمینه‌ی اجتماعی همین جور است، در زمینه‌ی سازندگی کشور همین جور است، در زمینه‌ی آگاهی و بصیرت عمومی همین جور است ؛ اینها را دشمنان ما در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان مصلحت نمیدانند بگویند، که مبدا ملت ما را تشویق کنند به پیشرفت این کار. درخصوص اقتدار ملی و آبروی بین‌المللی هم سرعت پیشرفت باید با همین نسبت ملاحظه شود. این پیشرفتهای به برکت انقلاب است. اما در عین حال این پیشرفتهای همچنان کم است ؛ باید این پیشرفتهای افزایش پیدا کند.

اگر ملت ایران همین سرعت و شتاب پیشرفت را - چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اجتماعی، چه در زمینه‌ی فرهنگی و معرفتی - حفظ کند، بلاشک زمان زیادی طول نخواهد کشید که در جایگاه شایسته‌ی خود قرار خواهد گرفت ؛ آن چیزی که شایسته‌ی ملت ایران است. بخش زیادی از این مسئله با آموزش و پرورش ارتباط دارد، بخش مهمی از آن به مدیران کشور در زمینه‌های اجرائی ارتباط پیدا میکند ؛ اینها است که مسائل کشور را حساس میکند در نظر هر انسان بصیر و بیننده‌ای ؛ اینها است که حماسه لازم دارد. بدون حماسه، این جهشها به وجود نمی‌آید. آن وقتی که حماسه باشد، شور و نشاط باشد، جهش قابل تصور است ؛ میتوان فرض کرد که جهش انجام بگیرد. ما در دوران دفاع مقدس این را امتحان کردیم ؛ در هر جایی هم که مردم مشارکت داده شدند، این را امتحان کردیم. ان شاءالله در زمینه‌ی حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی هم باید این را ملت ایران به چشم ببیند ؛ و بخش زیادی از این، به عهده‌ی شما معلمین عزیز است.

امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد ؛ روح مطهر شهدای عزیزمان و امام بزرگوار را از همه‌ی شما و ما راضی کند ؛ ما را در زمینه‌ی وظائف مهمی که در مسائل گوناگون کشور داریم، ان شاءالله به راه راست هدایت کند و دستگیری فرماید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته